

مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاین نمی باشد



۲۰۲۶/۰۷/۰۱

نویسنده: ن . جلیل زاد

## سکوت تلخ کابل در برابر بمب های اسلام آباد ، تا کی؟



زخمی که هر روز تازه می شود  
خاک افغانستان، این سرزمین مقدس آبا و اجدادی، بار دیگر زیر سایه ای  
بمب افکن های پاکستانی می لرزد .

کنرها، کندهار، پکتیا، پکتیکا، و حتی کابل و نزدیکی های کابل، در پنج  
سال گذشته، سیزده بار طعم آتش و خون پاکستان را چشیده اند. کودکانی  
که در خواب بودند، زنانی که در آشپزخانه نان می پختند، مردانی که برای  
لقمه ای نان زحمت می کشیدند ، همه قربانی سیاستی شدند که از آن سوی  
خط فرضی دیورند طراحی می شود .

و در برابر این همه خون و ویرانی، آن چه از کابل می شنویم، تنها بیانیه  
های ملایم و سکوتی است که هر روز تلخ تر می شود.

چرا پاسخ بالمثل داده نمی شود؟

چرا این همه بمباران بی پاسخ می ماند؟

اصل «رویه بالمثل» در حقوق بین الملل، حق مسلم هر کشوری است که  
حاکمیتش نقض می شود .

اما حقیقت تلخ این است: حاکمیت کنونی کابل، در ترازوی قدرت نظامی، در برابر ارتش و نیروی هوایی پاکستان،  
از موضع ضعف سخن می گوید .

این ضعف نظامی، نباید بهانه ای برای سکوت سیاسی و دیپلماتیک شود .

وقتی خاک یک کشور بمباران می شود، حتی اگر توان پاسخ نظامی هم سطح نباشد، سکوت دیپلماتیک، یعنی تسلیم .  
ملتی که هزاران سال در برابر امپراتوری های بزرگ ایستاد، نباید امروز در برابر کشوری که خود محصول استعمار  
انگلیس است، زیان در کام بکشد.

چرا سفارت پاکستان هنوز در کابل باز است؟

این پرسش، زخمی است بر غرور ملی هر افغان. سفارت کشوری که طیاره هایش بر سر کودکان ما بمب می ریزد،  
هنوز در قلب کابل، با تمام امتیازات دیپلماتیک، فعالیت می کند .

این سفارت، به گفته ای بسیاری از افراد مطلع و ماهر امنیتی، نه تنها مرکز دیپلماسی، بلکه کانون فعالیت های  
استخباراتی است که سال ها در خدمت تضعیف افغانستان بوده .

نگه داشتن این لانه ای جاسوسی در دل پایتخت، در حالی که طیاره های جت همان دولت بر سر مردم ما بمب می  
ریزند، تناقضی است که هیچ توجیه ملی ندارد .

اگر کشوری به طور مستقیم خاک تو را بمباران می کند، نگه داشتن سفارتش در پایتخت، نه دیپلماسی، که تحقیر ملی  
است.

چرا قطع روابط و بستن سفارت صورت نمی گیرد؟

خواست عمومی مردم افغانستان، از کابل تا کندهار، از هرات تا ننگرهار، روشن است: بستن سفارت و قطع روابط  
با رژیم که نه احترام به حاکمیت ما دارد، نه به جان مردم ما ارزش قائل است .

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکي په خیر و لولئ

اما حاکمیت طالبان، در محاسبه‌ای که بیشتر بر منطق بقای سیاسی استوار است تا غرور ملی، نگران عکس العمل زنجیره ای است: وابستگی ترانزیتی به بندر کراچی، حضور میلیون ها مهاجر افغان در خاک پاکستان، و ترس از انزوای کامل بین المللی .

اما باید با صراحت گفت: غروری که با محاسبه‌ای سود اقتصادی معامله شود، دیگر غرور نیست .  
ملتی که در طول تاریخ، استقلالش را با خون خرید، نباید امروز آن را با ترس از قطع تجارت بفروشد.

فوائد و اضرار قطع روابط، تحلیلی بی پرده  
درست است که قطع کامل روابط، هزینه هایی دارد: فشار بر میلیون ها مهاجر افغان در پاکستان، اختلال در گذرگاه های تجاری تورخم و اسپین بولدک، و از دست رفتن کانال های محدود مذاکره .

اما در کفه ای مقابل، فوایدی نهفته است که از جنس غرور و آینده ای ملی اند: بازگرداندن عزت ملی به افکار عمومی، فشار سیاسی بر مجامع بین المللی برای توجه جدی تر به نقض حاکمیت افغانستان، و از همه مهمتر، پیام روشن به جهان که افغانستان، با وجود همه‌ای ضعف‌ها، حاضر به تحمل تحقیر دائمی نیست .

ملتی که عزتش را قربانی تجارت کند، در درازمدت، نه تجارت خواهد داشت، نه عزت.

درس هایی از تاریخ جهان

تاریخ روابط بین الملل پر است از نمونه هایی که کشورها در برابر تجاوز، روابط دیپلماتیک را قطع کرده اند .  
ایالات متحده پس از تسخیر سفارتش در تهران، روابط با ایران را قطع کرد و تا امروز این قطع ادامه دارد .

عربستان سعودی پس از حمله به سفارتش در تهران، رابطه اش را با ایران برید. اوکراین، در همان ساعات نخست تهاجم روسیه، به طور کامل روابط دیپلماتیک با مسکو را قطع کرد .

این کشورها، با وجود هزینه های سنگین اقتصادی و سیاسی، عزت و امنیت ملی را بر مصلحت اندیشی کوتاه مدت ترجیح دادند .

چرا افغانستان، با وجود سیزده بار بمباران مستقیم خاکش، هنوز چنین گامی برنداشته است؟

مقاومت بالمثل، یک اصل اخلاقی، نه فقط حقوقی

پاسخ بالمثل در برابر تجاوز، تنها یک اصل حقوقی نیست ، یک اصل اخلاقی و انسانی است .

ملتی که در برابر تجاوز سکوت می کند، در واقع به متجاوز چراغ سبز تکرار جنایت می دهد. حاکمیت طالبان، اگر مدعی نمایندگی از مردم افغانستان است، باید بداند که سکوت در برابر خون کودکان پکتیا و کنر، نه سیاست، که شراکت در فاجعه است .

مقاومت، حتی در شکل دیپلماتیک و نمادین، پیامی است به جهان و به نسل های آینده که این خاک، صاحب دارد و این ملت، حافظه اش فراموش کار نیست.

دروازه های بسته، تجارت در صفر ۳ افغانستان منتظر چیست؟

امروز، دروازه ها در دو سوی خط فرضی دیورند بسته‌اند، تجارت به نزدیکی صفر رسیده، و روابط دو کشور در عمیق ترین بحران تاریخی خود قرار دارد .

در چنین شرایطی که عملاً بسیاری از پیامدهای قطع روابط، بدون اعلام رسمی آن، رخ داده اند، پرسش این است:  
افغانستان منتظر چه فرصتی است؟

آیا منتظر بمباران چهاردهم است؟

آیا منتظر است تا خاک بیشتری از کندهار و پکتیکا به خاکستر تبدیل شود؟

زمانی برای تردید باقی نمانده است .

وقتی واقعیت میدانی همان قطع روابط است، چرا با شجاعت، آن را رسمی و اعلام شده نکنیم تا حداقل غرور ملی حفظ شود، نه آن‌که در ابهامی خفت بار باقی بمانیم؟

سخن پایانی

ندای یک ملت خسته از سکوت

افغانستان، ای سرزمین آبا و اجدادی ما، تو شایسته‌ای این تحقیر مکرر نیستی .

مردمی که در برابر بزرگ ترین امپراتوری‌های تاریخ ایستادند، نباید امروز در برابر کشوری که خود محصول نقشه کشی استعمارگران است، سر خم کنند .

اگر حاکمیت کنونی توان پاسخ نظامی کامل را ندارد، دست‌کم باید با شجاعت دیپلماتیک، با بستن سفارت، با قطع رسمی روابط، با فریاد رسای حقوقی در مجامع بین‌المللی، نشان دهد که این ملت، هنوز غرورش را زنده نگه داشته است.

تاریخ، سکوت‌کنندگان را هرگز نمی‌بخشد. نسل‌های آینده، از ما خواهند پرسید: وقتی خاک ما زیر بمب می‌سوخند، شما چه کردید؟  
آیا پاسخ ما تنها بیانیه‌های ملایم و سکوتی دیپلماتیک خواهد بود، یا شجاعتی که شایسته‌ای نام افغانستان است؟  
این زمان، زمان تصمیم است.  
زمان آن است که حاکمیت کابل، فراتر از محاسبات کوتاه مدت اقتصادی، به ندای ملتی گوش دهد که خسته از تحقیر، تشنه‌ای عزت است.  
افغانستان نباید دروازه‌ای خانه‌اش را برای کسی باز نگه دارد که با بمب به آن سلام می‌کند. وقت آن رسیده که این سرزمین، با صدای رسا، به جهان بگوید: ما صبر کردیم، اما صبر ما بی‌پایان نیست، ما عزت ما را با هیچ تجارتی معامله نخواهیم کرد.

**آرشیف: مطالب نشر شده ن. جلیل زاد**

---

د پانو شمېره: له 3 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
پادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هبله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ